

رئیس‌جمهور در نشست با خبرنگاران:

رهبری هر تصمیمی بگیرند ما تا آخر ایستاده‌ایم

یکشنبه ۱۸ مرداد ۱۴۰۵ | ۲۵ صفر ۱۴۴۸ | ۲۹ آگوست ۲۰۲۴ | سال هجدهم | شماره ۴۶۸۱ | صفحه ۱۰ هزار تومان



تأکید دبیر شورای عالی امنیت ملی بر ضرورت تغییر رفتار آمریکا

۶ شرط ایران برای بازگشایی تنگه هرمز

صفحه ۲ | VATAN-E-EMROOZ | VOL.18 | NO.4681 | SUN.AUG.09, 2026 | ISSN:2008-2886

۱۹۹۱ سال و ۳۴۴ روز گذشت |

گزارش رسانه‌های آمریکایی از رابزنی رئیس ستاد مشترک ارتش این کشور با مقامات ارشد دولت ترامپ برای خروج از باتلاق جنگ علیه ایران

دنبال راه فرار



صفحه ۲

عکس: Gettyimages

نقدی بر مستند «زبان رمز» و ادعای تحلیل پنج‌ونیم میلیون واژه از بیانات رهبر شهید انقلاب

رمزگشایی از یک فریب آماری

مثلا تعداد استفاده از واژه به ازای ۱۰۰ هزار یا یک میلیون کلمه. استفاده از رتبه، اطلاعات را از بین می‌برد به این دلیل که ممکن است کاربرد واقعی یک واژه تقریبا ثابت باشد اما چون چند واژه دیگر سقوط کرده‌اند، رتبه آن بالا برود. یا ممکن است سهم یک کلمه به‌شدت افزایش یافته باشد ولی رتبه‌اش تغییر چندانی نکند، روشن است چنین روشی فضای بیشتری برای برجسته‌سازی گزینشی فراهم می‌کند. اگر سازندگان واقعا به دنبال فهم واقعیت بودند و نه تسویه‌حساب سیاسی، می‌توانستند برای نتیجه‌گیری دقیق‌تر، شاخص شفاف‌تری را انتخاب کنند، نه یک شاخص مبهم را!

مشکل دیگر نبود خط مبنای بیرونی است. فرض کنیم واژه «تحريم» در فرمایشات رهبر شهید انقلاب اسلامی ۵ برابر شده باشد. خب! در همان فاصله در سخنان رؤسای جمهور چقدر افزایش یافته؟ در نماز جمعه؟ در روزنامه‌های کشور؟ در بیانیه‌های وزارت امور خارجه؟ حتی در رسانه‌های مخالف جمهوری اسلامی؟ اگر واژه تحريم در کل زبان سیاسی ایران ۵ برابر شده باشد، افزایش آن در بیانات معظم‌له لزوماً ویژگی گفتمان ایشان نیست، ویژگی یک دوره تاریخی است. بدون چنین مقایسه‌ای، فیلم بارها چیزی را که شاید اثر زمانه باشد، به ویژگی گفتمانی رهبر شهید تبدیل می‌کند.

■ رمزگشایی از فرآیند بنجل‌سازی اطلاعات در شبکه سلطنتی بی‌بی‌سی
شاید بنیادی‌ترین مشکل مستند در اتاق تدوین شکل می‌گیرد، چون معیار انتخاب یافته‌ها، موارد نقض و داده‌های کنار گذاشته‌شده روشن نیست. مستند به جای آزمون روایت خود با داده‌ها، داده‌ها را برای تأیید همان روایت سیاسی مدنظر خود گزینش کرده است. گذشته از اشکالات روشی و تحلیلی فاحش، این مستند حتی در سطح ادعاهای ظاهری خود بی‌بی‌سی فارسی هم نیست. شاید درست این باشد که بگوییم این مستند در حقیقت از ذهن سازندگانش رمزگشایی می‌کند که چگونه برای تأیید پاسخی از پیش موجود، آمارهایی را که حتی دقت و صحت آنها هم چندان معلوم نیست، به کار گرفته‌اند.

که قانون اساسی جمهوری اسلامی را پذیرفته‌اند، لازم نیست در هر سخنرانی دوباره اسلامی بودن حکومت را اثبات کرد.
مستند سعی دارد از کاهش بسامد واژگانی چون «خدا»، «دین»، «قرآن» یا «اسلام» عقب‌نشینی غیرزمن‌مند باشند. سازندگان از درک این نکته پیش پا افتاده ناتوان بوده‌اند و چنان تفسیر کرده‌اند که گویی بسامد کلمات، دستگاه تصویربرداری از ذهن گوینده آنهاست.
مخاطب بیانات نیز متغیر تعیین‌کننده دیگری است که در تفسیر سازندگان نادیده گرفته شده. فرض کنیم سهم بیشتری از متن‌های یک دوره مربوط به دیدارهای نظامی باشد، آیا عجیب است که آمار واژگانی چون دشمن، امنیت، قدرت، مقاومت و شهید بالا برود؟ یا اگر تعداد بیشتری از فرمایشات ثبت‌شده متعلق به دیدار دانشگاهیان باشد، چرا باید افزایش واژگانی مانند علم، دانشگاه یا جوان را تحول ذهنی تلقی کرد؟!

مهم‌تر از مخاطب، تاریخ است. مستند فقط کلمات را می‌بیند و به ظرف زمانی تولید آنها توجهی ندارد. افزایش کاربرد واژه «تحريم» در سال‌هایی که اقتصاد ایران زیر شدیدترین تحریم‌ها بوده، به طور طبیعی نتیجه ورود تحریم به مرکز واقعیت سیاسی کشور بوده و افزایش کاربرد «فتنه» پس از اتفاقات سال ۸۸ واکنش مستقیم به رخدادهایی مشخص است. همان‌گونه که اگر همه‌گیری اتفاق نمی‌افتاد، «کرونا» و «واکسن» نیز به کار گرفته نمی‌شد. در واقع، یک رویداد تاریخی باعث افزایش استفاده از واژه شده اما سازندگان مستند نتیجه می‌گیرند افزایش آمار واژه شهادی درباره تغییر ذهن گوینده آنهاست!

همین مساله درباره ادعای دیگر مستند، یعنی کاهش واژه‌هایی مانند «خدا»، «الله»، «دین» و «قرآن» وجود دارد. یک نظام انقلابی در مرحله تأسیس، زبان متفاوتی از یک نظام مستقر دارد. در دوره انقلاب و سال‌های نخست، مساله اصلی تولید مشروعیت، بسیج ایدئولوژیک و تعریف نظم جدید است. در مرحله استقرار و سپس تثبیت، زبان حکومت ناگزیر با مدیریت، اقتصاد، امنیت، توسعه نظامی، سیاست خارجی و اداره بحران‌ها درگیر می‌شود.

ممکن است یک مفهوم ایدئولوژیک دقیقاً به دلیل تثبیت، کمتر نیاز به تصریح داشته باشد. برای مردمی مساله‌ای است که با «فراوانی نسبی» حل می‌شود؛ بنیادین آن نسبت می‌دهد.
■ دیکتاتورهای دین‌باباشکنجه آمار، از واقعیت اعتراف اجباری می‌گیرند!

صرف نظر از محتوا و نتایج مغرضانه، مستند از نظر روشی دارای اشکالات عدیده و اساسی است؛ حتی در سطح آماری نیز انتخاب «رتبه واژه‌ها» کار دشواری نیست. توضیح داده شده چون حجم متن دوره‌ها متفاوت بوده، رتبه واژه‌ها را مقایسه کرده است؛ مثلا حجم پیکره دوره رفسنجانی ۱٫۶ میلیون کلمه و دوره روحانی ۱٫۲ میلیون کلمه بوده اما این دقیقاً مساله‌ای است که با «فراوانی نسبی» حل می‌شود؛

چون مخاطبان، مناسبت‌ها، رخدادها، روز، راهبردها، موضوع جلسه و وضعیت بین‌المللی ایراد شده‌اند، نه اینکه تنها حاصل انتخاب شخصی ایشان در فضایی غیرزمانمند باشند. سازندگان از درک این نکته پیش پا افتاده ناتوان بوده‌اند و چنان تفسیر کرده‌اند که گویی بسامد کلمات، دستگاه تصویربرداری از ذهن گوینده آنهاست.

مخاطب بیانات نیز متغیر تعیین‌کننده دیگری است که در تفسیر سازندگان نادیده گرفته شده. فرض کنیم سهم بیشتری از متن‌های یک دوره مربوط به دیدارهای نظامی باشد، آیا عجیب است که آمار واژگانی چون دشمن، امنیت، قدرت، مقاومت و شهید بالا برود؟ یا اگر تعداد بیشتری از فرمایشات ثبت‌شده متعلق به دیدار دانشگاهیان باشد، چرا باید افزایش واژگانی مانند علم، دانشگاه یا جوان را تحول ذهنی تلقی کرد؟!

مهم‌تر از مخاطب، تاریخ است. مستند فقط کلمات را می‌بیند و به ظرف زمانی تولید آنها توجهی ندارد. افزایش کاربرد واژه «تحريم» در سال‌هایی که اقتصاد ایران زیر شدیدترین تحریم‌ها بوده، به طور طبیعی نتیجه ورود تحریم به مرکز واقعیت سیاسی کشور بوده و افزایش کاربرد «فتنه» پس از اتفاقات سال ۸۸ واکنش مستقیم به رخدادهایی مشخص است. همان‌گونه که اگر همه‌گیری اتفاق نمی‌افتاد، «کرونا» و «واکسن» نیز به کار گرفته نمی‌شد. در واقع، یک رویداد تاریخی باعث افزایش استفاده از واژه شده اما سازندگان مستند نتیجه می‌گیرند افزایش آمار واژه شهادی درباره تغییر ذهن گوینده آنهاست!

همین مساله درباره ادعای دیگر مستند، یعنی کاهش واژه‌هایی مانند «خدا»، «الله»، «دین» و «قرآن» وجود دارد. یک نظام انقلابی در مرحله تأسیس، زبان متفاوتی از یک نظام مستقر دارد. در دوره انقلاب و سال‌های نخست، مساله اصلی تولید مشروعیت، بسیج ایدئولوژیک و تعریف نظم جدید است. در مرحله استقرار و سپس تثبیت، زبان حکومت ناگزیر با مدیریت، اقتصاد، امنیت، توسعه نظامی، سیاست خارجی و اداره بحران‌ها درگیر می‌شود.

ممکن است یک مفهوم ایدئولوژیک دقیقاً به دلیل تثبیت، کمتر نیاز به تصریح داشته باشد. برای مردمی مساله‌ای است که با «فراوانی نسبی» حل می‌شود؛

■ ناتوانی ذهن تک‌بعدی سازندگان از درک پیچیدگی‌های سیاست ایران
پیش‌فرض پنهان مستند این است که گویی «قطام» را با «هبر» یکی گرفته و از خلال بیانات رهبر شهید می‌خواهد به منطق کلی جمهوری اسلامی برسد این هم‌رزی، حتی در ساختاری به‌شدت متمرکز هم سادسازی افراطی واقعیت سیاسی است، چه رسد به ساختار عریض و طویل جمهوری اسلامی با تمام کارکردها و نقایصش.

جمهوری اسلامی ایران حاصل برهم‌کنش مجموعه‌ای از نهادها، بروکراسی‌ها، نیروهای امنیتی و نظامی، دولت‌ها، شبکه‌های اقتصادی، روحانیت، منافع سازمانی و منازعات درون‌حاکمیتی است. اتفاقاً بسیاری از تصمیم‌ها و سیاست‌ها نتیجه چانه‌زنی، محدودیت نهادی، ملاحظات اجرایی و موازنه نیروهاست، نه تصمیم شخصی رهبر و البته این مساله، از محدوده اختیارات ولی فقیه چیزی کم نمی‌کند.

منشی رهبر شهید این بود که تاحد امکان تصمیمات و سیاست‌ها نهادی پیش برود و در موارد محدودی که به مسائل کلان ملی مربوط می‌شد و ورود می‌کردند، این ورود، هم مطابق بر وظایف قانونی معظم‌له بود و هم از سر مداخله شخصی نبود، بلکه جایی بود که نهادها نمی‌توانستند از پس مدیریت اوضاع برآیند. این تقلیل، پیچیدگی ساخت قدرت را حذف کرده و از یک تحلیل شخص‌محور، نتیجه‌ای ساختارمحور می‌سازد! نتیجه‌ای که دامنه‌اش بسیار بزرگ‌تر از شواهدی است که مستند واقعا در اختیار دارد.

این تقلیل‌گرایی به شیوه‌های دیگر در سراسر مستند حضور دارد؛ مثلا یکی دیگر از پیش‌فرض‌های سازندگان این بوده که افزایش کاربرد یک واژه الزاما از افزایش اهمیت آن در «ذهن» گوینده خبر می‌دهد و سپس، این نتیجه گرفته می‌شود که مثلا اگر رهبر شهید در دوره‌ای ۲ برابر گذشته از «دشمن» سخن گفته‌اند، به این معناست که مفهوم دشمن در ذهن ایشان ۲ برابر مهم‌تر شده است اما این نتیجه نادرست است، چون این نکته بسیار بدیهی است که بیانات عمومی حضرت آیت‌الله‌عظمی شهید سیدعلی خامنه‌ای، در نسبت با عوامل مختلفی

یادداشت
علی کاکادز فولی

آشپزخانه بی‌بی‌سی فارسی در تازه‌ترین پخت‌وپز خود، به اصطلاح مستندی با عنوان «زبان رمز» را روی میز گذاشته؛ سفارشی سیاسی که در ظاهر به دنبال تحلیل واژگان رهبر شهید انقلاب اسلامی است اما در عمل، فرسنگ‌ها با استانداردهای حداقلی پژوهش فاصله دارد و تنها ورشکستگی متدولوژیک این شبکه را فلش می‌کند. سازندگان مساله‌ای را پیش می‌کشند که برای پاسخ به آن، ابزاری به‌مراتب محدودتر از ادعای خود را در اختیار دارند. پرسش فیلم بر خلاف ذهن سازندگان آن کوچک نیست: «آیت‌الله خامنه‌ای در بیش از ۴ دهه رهبری چگونه فکر کرده، گفتمان‌ش چگونه تغییر کرده و این تغییرات چه چیزی درباره رفتار جمهوری اسلامی به ما می‌گوید؟» اما آدم‌هایی که به این پرسش پرداخته‌اند، آدم‌های مناسبی نیستند و برای همین، حتی در همان مسیر خودشان یعنی تسویه‌حساب سیاسی با امام مجاهد شهید هم کلا به بیراهه رفته‌اند. سازندگان مدعی‌اند حدود ۵٫۵ میلیون کلمه از بیانات رهبر شهید را بررسی و از میان‌شان ۱۵۰ واژه مهم و پرتکرار را انتخاب کرده‌اند. بعد هم ادعا دارند این حجم عظیم از داده می‌تواند لایه‌هایی پنهان از ذهنیت حکومت(!) را آشکار و کند. بماند که حتی در همین ۲ مرحله هم تناسبی وجود ندارد!

اما کار سازندگان به اینجا ختم نمی‌شود و با این ادعا که توانسته‌اند گفتمان رهبر شهید را بشناسند، قدم را فراتر گذاشته و از گفتمان به ذهنیت ایشان می‌رسند و عجیب‌تر از همه، سرانجام از ذهنیت مورد ادعا، منطق رفتار نظام جمهوری اسلامی را تعیین می‌کنند! در واقع، مهم‌ترین ایراد مستند در همین پرش‌های پیاپی میان ۴ سطح متفاوت تحلیل است.

تیتیر های امر وز



گزارش «وطن امروز» درباره تأثیر تضعیف همونی ایالات متحده، بر تصمیم کشورها برای ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای

خاورمیانه منهای آمریکا

نقدی بر مستند «زبان رمز» و ادعای تحلیل پنج‌ونیم میلیون واژه از بیانات رهبر شهید انقلاب

رمزگشایی از یک فریب آماری

گزارش «وطن امروز» از عقب‌نشینی عربستان از نمایش پول‌باشی در فوتبال
■ از اعتصاب کریس رونالدو تا خودداری محمد صلاح از حضور در لیگ فوتبال عربستان

پیمان مکه دفاعی یا تجاری؟

نگاه
امیر حمزه متزاد

در میان تحولات شتابان منطقه، شاهد انعقاد پیمان نظامی - دفاعی سه‌جانبه عربستان، ترکیه و پاکستان بودیم که روز جمعه به امضای سران این کشورها رسید. این پیمان اگرچه سر و صدای زیادی به پا کرد اما در حوزه عملیاتی دارای شباهتی خصوصاً میان افکار عمومی منطقه است. ■ انعقاد پیمان مکه در میانه اضمحلال ناتو نکته اساسی و اولیه چنین پیمان دفاعی آن است که در حال حاضر مهم‌ترین پیمان نظامی اینچنینی جهان یعنی ناتو که بسیاری از کشورها سعی دارند آن را به عنوان الگوی پیمان‌های دفاعی خود قرار دهند، در وضعیت اضمحلال و تقلیل جایگاه قرار دارد.

سازمان آتلانتیک شمالی این روزها به سبب اختلاف در منافع کشورهای غرب از جمله آمریکا و اتحادیه اروپایی با مشکلات متعددی روبه‌رو است. ناتو این روزها خود را دچار ۲ جنگ مهم می‌بیند. از یک سو جنگ اوکراین و روسیه در این حوزه بسیار قابل توجه است که به ضعف و انحطاط اروپا منجر شده است.

این جنگ اروپا را خصوصا در حوزه اقتصادی بسیار تحت فشار قرار داده است. هزینه جنگ اوکراین برای اروپا بسیار بالاست. حتی تحریم‌هایی که اروپا علیه روسیه به‌ویژه در حوزه انرژی عملیاتی کرد، مثل یک بومرنگ به خود اروپا برگشته و مشکلات متعددی برای صنایع کشورهایی مثل آلمان ایجاد کرده است.

ترامپ حتی زمانی که به ریاست‌جمهوری دوره دوم خود نرسیده بود، بارها عنوان می‌کرد اروپا باید هزینه دفاعی‌اش را خودش پرداخت کند و تا امروز با وجود کمک‌های نظامی آمریکا، اوکراین به مشکلی عظیم برای غرب بدل شده است. در همین گیر و دار آمریکا جنگ تحمیلی را علیه کشورمان آغاز کرد و بارها در این حین دست‌پازی به سمت اروپا دراز کرد اما این دست همواره از سوی اروپا پش زده شد.

اروپایی که در جنگ با اوکراین با مشکلات جدی روبه‌رو است، در مقابل ایران نمی‌تواند حرفی برای گفتن داشته باشد. از سوی دیگر آمریکا بار عظیمی از ناتو را به دوش می‌کشد و گفته می‌شود ۸۰ درصد ناتو یعنی آمریکا و ترامپ از این موضوع بسیار ناراحتند و ناتو با این دست مشکلات جدی روزهای جفالی را طی می‌کند.

■ پیمان دفاعی حفاظت امنیتی از عربستان؟
با همین تجربه منفی حالا شاهد آن هستیم سعودی که پیش‌تر با خود آمریکا روابط نظامی خاصی داشته، به سمت کشورهای منطقه از جمله پاکستان و ترکیه رفته است.

ادامه در صفحه ۴